

نگاهی به کتاب:

تجارب الامم فی اخبار ملوک العرب والعجم

که اسرائیلیات رایج آن عصر بر اخبار وارده در کتاب کلاً غلبه دارد، چه روایاتی که از شعبی مذکور آمده (ص ۸۴، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۹۵، ۲۰۵، ۲۳۷، ۲۴۳، ۲۷۶، ۲۹۹، ۳۰۱ و ...) غالباً نقل از عبدالله بن سالم یهودی مسلک است، که همچون وهب بن منبه از ناقلان کتاب‌های «اوائیل» پیرو کعب الاخبار یهودی معروف بوده؛ اخباری که یکسره خرافات است، حکم یقینی بر آنها نموده؛ و به قول سخاوی «چیزهایی یاد کرده که در نزد خردمندان بسی زشت است؛ و رویدادهایی که نه معنایی در بردارند و نه سودی ... مورخان نادان بر آنها اعتماد کرده‌اند!» و ابن‌الدیم کسی از قول آنها تبری نموده است [رش: تاریخنگاران ایران، ص ۱۱۱ - ۱۱۲ و ۱۱۴].

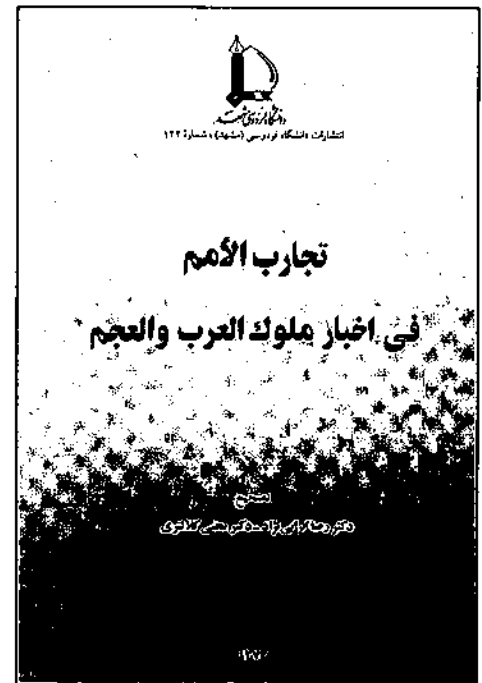
یک رشته اسامی و نام جاها یا نام نژادهای مذکور در کتاب که دگرگشته و تحریفاً به نقل آمده، قابل توضیح است، مانند: «بافردي» که نوح و قوم وی در آن فرود آمدند (ص ۵۲) که مصحح فاضل در مورد آن با رجوع به تواریخ دیگر وجه صحیح را نتوانسته بیاید (هامش همانجا). باید گفت که اصل کلمه در تلفظ سریانی اش «بافردي» (با قاف) مخفف از «بیت قردویه» یا «بیت کردو» همانا کردستان شمال عراق باشد؛ و این تبدیل «بیت» ها (= ولایت، قلمرو) به «با» به مثابت پیشوند مکانی در امکان آرامی - سریانی زبان‌داستان بسیار مفصلی دارد، که اشارت بدانها در اینجا ممکن نیست؛ نظیر آن «بازیدی» شاطی دجله (ص ۵۳) همانا «بیت زبدايه» در غرب دجله و «بیت قردی» در شرق آن واقع بوده است. در ذکر اولاد التترک، «هر» بن یافت (ص ۵۴) که در متن عربی «الاثار» آمده، صحیح کلمه باید «اهر / هوار» باشد، وجهی از «أبار / أوار» که همان قوم مشهور «أوار» هم‌تبار با «خزر» ها بوده است. «بوذگان» بن منوچهر (ص ۹۵) بایستی «نوذران» بوده باشد، هم‌چنین «کینانه» جذ الهراسب (ص ۹۶ و ۱۲۶) بایستی به «کیاییه» تصحیح شود، چه مراد «کی ابیوه / ایپوه» می‌باشد. «ارخبیم» پسر سلیمان (ص ۱۲۰) یا «راجیم» متن همانا «رجععام» مشهور است. در ذکر اصحاب الکهف، ملک «دقیوس» (ص ۱۲۱ - ۱۲۳) که عوام «دقیانوس» هم گویند، صحیح کلمه «دقیانوس» می‌باشد، که همانا «Decius Traianus» امپراتور روم شرقی (۲۴۹ - ۲۵۱ م) بوده است. در روایت یهودی «کلیماسف» پسر بخت نصر (ص ۱۳۰) صحیح کلمه «کی لهراسف» است، گویا به سزای یهودستیزی بدین تحریف دچار شده (!) و حسب توصیف همان «نمرود» می‌باشد.

صرفنظر از چند غلط چاپی («بهار»، ص ۵۴، به جای «بحار» و جز اینها) متن کتاب به خوبی ویراسته شده، یکسره قابل اعتماد است. مصحح فاضل مشکلات لغوی متن را هم با ذکر معانی کلمات عربی مهجور، ترجمه عبارات عربی به فارسی و توضیحات لازم و مفید در هامش صفحات تماماً حل کرده، تقریباً چیزی مبهم و مغلوب باقی نگذاشته است. در ضمن، سراسر ترجمه فارسی حاضر را با نسخه عربی کتاب (النهايه) دقیقاً مقابله کرده، موارد اختلاف و مبدلات را نیز در هامش ضبط نموده است. □

● دکتر پرویز اذکانی

تاریخ مشتبه می‌شود، اصل عربی آن عنوان نه‌ایه الارب فی اخبار الفرس و العرب دارد، که ترجمه فارسی مورد بحث (تجارب) توسط یک «مستوفی» دربار اتابک نصره‌الدین رستانی (۶۹۶ - ۷۳۳ ق) هم در اوایل سده هشتم و در شهر «ایذج» لرستان صورت پذیرفته است (ص ۳۴). خود نه‌ایه الارب (عربی) موجود چنان‌که تودورنودکه گفته است: «کتاب عجیب و نسبتاً دغل و اساساً تحریری عمدی از کتاب الاخبار الطوال ابوحنیفه دینوری است» [تاریخ ایرانیان و عربها، ص ۷۱۸] و مباحث زیادی را هم موجب شده، عمدتاً یک اثر ترکیبی و بلکه تلفیقی از سیرملوک العجم ابن‌المستغیر ایرانی (کشته ۱۴۲ ق) و روایات «شعی» ابوعمرو عامر بن شراحل حیری کوفی (۲۷ - ۱۰۵ ق) از محدثان تابعی که ظاهراً «اصعی» عبدالملک بن قریب باملی (م ۲۱۳ ق) لغوی و اخباری معروف آن را برای هازون الرشید خلیفه عباسی فراهم کرده، جکایات و روایات غیر «خبر» تاریخی هم جای‌جای محض انبساط خاطر یا اعتبار در آن افزوده است.

متن عربی کتاب نه‌ایه الارب اصمعی را زنده یاد استاد محمدتقی دانش‌پژده ویراسته، اخیراً به قرار اطلاع انجمن مفاخر ایران آن را چاپ کرده (که تاکنون این بنده آن را ندیده است) سالها به دلائل و علائق خاصی مشتاق ملاحظه و مطالعه آن بودم؛ ولی اینک که متن منقح ترجمه امین فارسی آن را بررسی کردم، بدین نتیجه رسیده‌ام که با وجود کتب اصیل و اساسی عالمانه الاخبار الطوال دینوری، سنی ملوک الارض حمزة اصمعی و تجارب الامم مسکویه رازی و جز اینها و هم رده (تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری و کتابهای مسعودی) این کتاب به اصطلاح «دغل» اصمعی لغوی بود و نبودش یکی است. هیچ چیز تازه‌ای، خبر واحدی، مطلب بکری که به درد تاریخ نگاری «ایرانی» بخورد، خواه از دوران ما قبل اسلامی ایران یا از صدر اسلام تا عهد خلیفه هارون، حتی در خصوص تاریخ «عرب» هم چیز درد بخوری در آن وجود ندارد؛ علی‌رغم سروصدائی که یک چند در اروپا به پا کرد، عملاً بر اطلاعات تاریخی منا چیزی نمی‌افزاید، بسا در بعضی موارد هم - اگر بدان اعتنا شود - اطلاعات صحیح و متین را مغشوش کند. علت آن است



■ تصحیح دکتر رضا انزابی نژاد (و) دکتر یحیی کلانتری
■ مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی
■ ۱۳۷۳، (۴۱۴ ص)

انتشار این کتاب قبل از هرچیز مبین آن است که برخی از مدرّسان دانشگاهی شهرستانها، برخلاف جریان عمومی بی‌اعتنایی همه‌گیر و فراگیر نسبت به علم، شاید نظر به فراغت نسبی از برای تحقیق و یا اخلاص عمل و خصوصاً صرافت طبع هنوز کارهایی می‌کنند که موجب خوشوقتی است؛ از جمله مصحح اصلی کتاب (دکتر انزابی نژاد) که فرد جستجوگر و زحمتکشی است، همواره اثری و دفتری در دست تکمیل و عرضه دارد (وقفه الله تعالی). و اما کتاب که متأسفانه عنوان آن در بادی نظر با کتاب تجارب الامم مسکویه رازی (م ۴۲۱ ق) بر اهل